

روایهایی که می آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

نبرد در فصل سرد

■ فیلم‌های یخ‌سته‌ای در این روزهای زمستانی روی پرده رفته‌اند، با قهرمانان اغلب نوجوانی که باید با همه چیز، از توپ و تانک گرفته تا دوست و آشنا و خودشان در نبرد باشند.

■ ■ ■

روی یخ



On the Ice

دوستی میان دو پسر نوجوان اسکیمو در آلاسکا هنگامی به آزمون گذاشته می‌شود که دوستانشان هنگام صید سگ‌ماهی کشته می‌شود و مساله اینکه چه کسی مسبب مرگ او بوده، آن دو نفر و اجتماع کوچک‌شان را درگیر می‌کند. این درام دلهره‌آور را اندرو اوکیاما مکلین نوشته و کارگردانی کرده است. فرانک کوتوک ایرلان، ادمینا کر و جان میلر بازیگران فیلم هستند. زمان نمایش فیلم ۹۶ دقیقه و درجه‌بندی آن برای اکران به علت وجود صحنه‌های خشن R است.

رفته



Gone

در این تریلر به کارگردانی الیسون برنت، دختری که خواهرش دو سال پیش ناپدید شده است، به این نتیجه می‌رسد که یک قاتل زنجیربای که او را روده‌بار دیگر به شهرشان بازگشته است، بنابراین به تمهیدی می‌اندیشد تا او را به دام بیندازد. فیلمنامه را هینتور دالیا نوشته است و آماندا سایفرید، جنیفر کارپنتر، وس بنتلی و دنیل سونیاتا در فیلم بازی می‌کنند. زمان نمایش فیلم ۹۴ دقیقه و با درجه پی جی- ۱۳ به نمایش درآمده است.

یخ نازک



Thin Ice

کمدی جنایی «یخ نازک» که عنوان دیگر آن The Convincer (اطمینان‌بخش) است، به مامور بیمه‌ای می‌پردازد که قصد دارد راهی برای گریز از سرمای ویسکانسین پیدا کند و یک قفل ساز قصد اخذی از او را در مورد سرقت یک ویلن عتیقه دارد. ژیل اسپرچر این فیلم را نوشته و کارگردانی کرده است. زمان نمایش فیلم ۹۳ دقیقه است و گرگ کینیئر، بیلی کراداپ، آلن آرکین و دیوید هاربر در آن بازی می‌کنند.

فردا، وقتی جنگ شروع شد



Tomorrow, When the War Began
چند نوجوان در اردویی تفریحی در نقطه‌ای دور‌دست در استرالیا به وجود ارتشی مخفی پی می‌برند که در آنجا پنهان شده است و قصد حمله به این کشور را دارد، بنابراین با هم دست به یکی می‌کنند تا با آن ارتش مجهز بجنگند. این اکشن پرماجرای استرالیایی را استوارت بیتی نوشته و کارگردانی کرده است و لینکلن لوپیس، کریس پنگ و دنیز اکتیز از بازیگران فیلم هستند. زمان نمایش فیلم که به علت صحنه‌های خشن درجه R گرفته، ۱۰۳ دقیقه است.

همه چیز از هم می‌پاشد



All Things Fall Apart

در این درام ورزشی یک بازیکن فوتبال که از بیماری مرگباری رنج می‌برد، با مسایل خانوادگی خود و عشق و حسد و غرور و طمع اطرافیانش دست‌وپنجه نرم می‌کند. ماریو وان پیپلز کارگردان و یکی از بازیگران این فیلم است و ری لیوتا، ۵۰ سنت، امبر چیلدرز و لین ویتفیلد در فیلم بازی می‌کنند. فیلمنامه ۵۰۱ سبنت و برایان ای. میلر نوشته‌اند. زمان نمایش فیلم ۱۱۰ دقیقه است.

سینمای جهان

گفت‌وگو با «داستین هافمن» درباره زندگی و آثارش

بازیگران عصر طلایی

متیو گراهان/ ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

فیلمبرداری کنید؛ اتفاقی که در شبکه‌های تلویزیونی معمولی رخ می‌دهد. اچ‌بی‌آ شما را به حال خودتان می‌گذارد و هیچ‌گونه سانسوری وجود ندارد. همان‌طوری که می‌خواهید، کار می‌کنید.»

پیشخدمت غذایمان را می‌آورد. هافمن بعد از اینکه می‌چشد، ادامه می‌دهد: «من انتظار تفاوت بین سینما و تلویزیون را داشتم اما تفاوتی ندیدم، چون در این اثر هم مثل کار در سینما فقط سه یا چهار صفحه از فیلمنامه را در روز فیلمبرداری می‌کردیم.»

سریال ماه گذشته در آمریکا به روی آنتن رفت و یک هفته بعد در انگلستان در شبکه اسکای آتلانتیک پخش شد. داستان حول یک گروه متشکل از سوارکاران، مربیان، صاحبان اسب‌ها و قماربازان که با پیست اسبدوانی در ارتباط هستند، می‌گردد. «بخت» جفت و بست محکمی دارد و اپیزودهای اول آن توسط مایکل مان، کارگردان مشهور فیلم‌های «مخمصه» و «هم‌دست» ساخته شده است.

«کار کردن با مان رویای یک بازیگر است، او برای به دست آوردن اصالت در بازی از شما می‌خواهد که به عمق بروید. او می‌خواهد بازی بیشتر شبیه زندگی واقعی باشد. بازیگران معمولاً روی کلمات تأکید می‌کنند در حالی‌که به عمق رفتن به معنی تأکید بر کلمه نیست.»

بازی متقاعدکننده هافمن در نقش چستر «پس» برنشتاین، مردی با صلابت که قبلاً ناشر کتاب بوده و به تازگی از زنان آزاد شده، او را با یک چالش ناشناخته مواجه کرده است: بازی در نقش یک شخصیت در بیش از ۱۲ اپیزود. «در تئاتر بعد از سه هفته از اجرا امکان دارد بگویید: «یافتیم» و کارگردان به شما نگاه کند و بگوید «خوب است، ولی تو باید خودت را با سه هفته اول هماهنگ کنی.» اما در اینجا نمی‌توانی شخصیت را تغییر دهی چون به طور متوالی فیلمبرداری نمی‌شود. بازی ما در «بخت» مدام متحول می‌شود و کاری که قبلاً در سریال انجام داده‌ایم را سرمشق قرار می‌دهیم و چیزی که درست نبود را دیگر انجام نمی‌دهیم.» از هم‌اکنون اعلام شده است که سریال دومی نیز پخش می‌شود.

حرفه سینمایی داستین هافمن با نقش آفرینی موفقیت‌آمیز او در قالب بنجامین براداک فیلم «فارغ‌التحصیل» آغاز شد، اما چیزی نمانده بود که او هرگز وارد این کار نشود. وی به یاد می‌آورد: «این نقش برای رابرت ردفور نوشته شده بود؛ شخصیتی که شما یک فیلم توصیف‌شده، ممبور و خوش‌قیافه‌ات. من به مایک نیکولز (کارگردان) گفتم که فکر نمی‌کنم برای این نقش مناسب باشم.» حتی بعد از اینکه نیکولز وی را وادار کرد که نقش را بپذیرد، نمایش‌های اولیه فیلم واکنش‌های خوبی در پی نداشت. «در نمایش آزمایشی مردم نزد لری تورمن تهیه‌کننده می‌آمدند و می‌گفتند حیف که شما یک فیلم فوق‌العاده دارید اما بازیگران را درست انتخاب نکرده‌اید.»

فیلم «فارغ‌التحصیل» که در آن هافمن نقش شخصیتی را بازی می‌کند که یک زن مسن، با بازی آن بنکرکراف در نقش خاتم رابینسن، او را فریب می‌دهد، به یکی از فیلم‌های شاخص دوران خود تبدیل شد. اما هافمن می‌گوید لذت خاصی از این تجربه – یا پیامدهای آن– نبرده است و می‌گوید چیزی نمانده بود که به

کار در تئاتر برگردد و بازی در «کابوی نیمه‌شب» را نپذیرد. «واکنش‌های تند در ریویوهای مربوط به فیلم «فارغ‌التحصیل» متعجب شدم. بعضی از آنها تقریباً از ملاحظات نژادپرستانه انباشته بودند. می‌دانید، می‌گفتند بیبی‌اش بزرگ است یا صدایش زیر و تو مدافی است. چطور توانستید نقش بنجامین براداک را به این کوله‌مضحک بدهید؟» هافمن می‌گوید: «نیکولز حق این را داشت که خوشنام و با اعتبار باشد. او با انتخاب نقش مخالفت کرد. این‌ا نکاتی بود که او سعی کرد جا بیندازد.»

حالا سالاد من تقریباً تمام شده است و هافمن هم دارد غذایش را تمام می‌کند. پیشخدمت آمده است و می‌گوید هنوز دو بشقاب دیگر مانده اما هافمن دیگر نمی‌خواهد به جایش آنها را برای من می‌آورد. از وی در مورد اینکه آیا تجربیات دیگری در مورد نژادپرستی در حرف‌هاش داشته است یا نه، می‌پرسم. برای لحظه‌ای ساکت می‌شود. فکر می‌کند: «می‌دانم که آیا این واکنش به نقش من بود یا خود من…» حرفش با برگشتن پیشخدمت قطع می‌شود که بشقابی پر از حلزون و ماهی تن می‌آورد. دوباره ساکت می‌شود. می‌گوید: «می‌دانم.» بعد از چند لحظه می‌گوید: «از یک لحاظ، یک ستاره سینما نماینده بخش بزرگی از جامعه است، چون می‌خواهید تا حد امکان تعداد زیادی از مردم به سالن سینما بروند و با آن شخصیت همذات‌پنداری کنند. در دنیا شش میلیارد انسان در این دنیا زندگی می‌کند و ۱۷ میلیون نفر از آنها با من هم نژاد هستند. خودتان حساب کنید. اگر از برد پیت یا مثلاً جورج کلونی استفاده کنید، اشتباه نکرده‌اید اما اگر راه دیگری در پیش بگیرید دست به قمار خطرناکی زده‌اید.»

اکثر مردم فکر می‌کنند داستین هافمن اهل نیویورک است اما او در واقع سال ۱۹۳۷ در لس‌آنجلس متولد شده است. پدرش فروشنده میلمان بود و خانواده‌اش همیشه در حال جابجایی بودند. هافمن می‌گوید: «طبقه متوسط پایین همواره نگاش به بالاست. پدرم یک فروشنده بود و همیشه به دنبال یک زندگی با استانداردی بالاتر از آنچه داشت، بود. من در ۱۸ سال اول زندگی‌ام در شش محل متفاوت زندگی کردم چون او همیشه سعی می‌کرد بالاتر برود ولی به دلیل آنکه نمی‌توانستیم کرایه خانه بدهیم، مجبور بودیم برگردیم به همان جایی که نباید ترکش می‌کردیم.»

هافمن همیشه احساس می‌کرد که چیزی او را به سمت نیویورک می‌کشد و این علاقه با دیدن سریال تلویزیونی سیاه سفید «چه‌های ایست سایلد» که در دهه ۱۹۴۰ ساخته شده و در مورد گروهی از پسر بچه‌های ناهنجار در منهتن است، تحریک شد. وی می‌گوید: «آنها را در برنامه روزهای شنبه می‌دیدم و آن همه چیزی بود که می‌خواستیم باشم.»

تا سال ۱۹۵۸ به نیویورک سفر نکرد. ۱۳ ساعت در هواپیمای ملخی گذراندم. حدوداً ۲۰ ساله بودم. یادم می‌آید از ترمینال سوار اتوبوس شدم تا… پیشخدمت دوباره سر میز است و بشقاب‌های خالی را جمع می‌کند. هافمن می‌گوید: «می‌توانم اینها را اینجا بگذارم.» دو تکه از غذا را از بشقاب بر می‌دارد و در بشقاب من می‌گذارد. به پیشخدمت می‌گوید: «بهبش



داستین هافمن و بن یونگساف در نمایش اثر «عصر طلایی بک داستان»

نگو اون‌ها رو با دستم برداشتم!»

«خلاصه در بزرگراه دوم، در خیابان سسی و چهارم از اتوبوس پیاده شدم، روبه‌رویم خیابانی بود که در آن بین همه کسانی که در حال راه رفتن بودند، شخصی بود که داشت روی لاستیک اتومبیل ادراار می‌کرد. یادم می‌آید اولین فکری که به ذهنم رسید، «برای مدتی مکت می‌کنم.» این بود. در خانام هستیم. از آن لحظه به بعد عاشق نیویورک شدم.»

در سال ۱۹۷۰خطر از بیخ گوش معشوقه هافمن گذشت و جان به در برد. اعضای یک گروه افراطی چپ به اسم جنیش ودر آندرگراند تصادفاً خانه خودشان در روستای گرینوچ در همسایگی هافمن را با دینامیت منفجر کردند. «روز بعد من در صفحه اول روزنامه نیویورک تایمز بودم با سبیلی که برای فیلمی گذاشته بودم و چند تابلوی نقاشی که از خانام برداشته بودم تا نجات‌شان بدهم و چند لاک‌پشت که در جیمم گذاشته بودم، البته بیشتر از یک هفته زنده نماندند! در جایی که قبلاً میز تحریرم بود، یک سوراخ بزرگ وجود داشت.» من به هافمن گفتم: «ممکن بود اتفاق دیگری (بدتری) هم بیفتد.» بلند می‌خندد و می‌گوید: «خب در آن صورت زندگی حرفه‌ای‌ام کوتاه‌تر می‌شد.»

با صحبت در مورد مسیر حرفه‌ای‌اش که هفت نامزدی اسکار بهترین بازیگر را به دنبال داشت (آخرین مورد آن برای هجوهِ سیاسی «سنگ را بچینان» در سال ۱۹۹۸ بود) ادامه دادیم. او اولین بار برای فیلم «فارغ‌التحصیل» و بعد برای «کابوی نیمه‌شب» نامزد جایزه اسکار شد اما هر دو بار از دریافت جایزه باز ماند. جان وویت نیز برای فیلم «کابوی نیمه‌شب» نامزد اسکار شد اما جایزه به جان وین (برای فیلم شهامت واقعی) رسید.

هافمن برای ادامه صحبت به من نگاه می‌کند. بسیار محتاط است که بیشتر بگوید یا نه.

او بالاخره تندیس اسکار آن برای بازی در فیلم «کریمر علیه کریمر» (۱۹۷۹) که درامی درباره طلاق بود، دریافت کرد و بار دیگر به‌خاطر بازی برجسته‌اش در نقش ریموند بابیت در فیلم «مرد بارانی» (۱۹۸۸)، فردی مبتلا به اوتیسم و در عین حال ناب‌ه‌ای در ریاضیات، موفق به دریافت جایزه اسکار شد.

از وی می‌پرسم از کلامیک‌ا در نقش‌هایی که بازی کرده، بیشتر لذت برده است. «فکر نمی‌کنم هیچ کدام از آنها لذتبخش بوده، چون هرگز نمی‌دانید که نتیجه کارتان چه خواهد بود. گاهی اوقات در حین کار چیزی را حس می‌کنی و آن را آشکار می‌کنی. اما در مراسم افتتاحیه چند تا از فیلم‌هایم حضور داشتم، از جمله «فارغ‌التحصیل» و «مرد بارانی.» همه با لباس‌های رسمی می‌آیند و فیلم تمام می‌شود و آنها این‌طور نگاهت می‌کنن! چهره عیوسی به خود می‌گیرد– و فکر می‌کنی که به چه مصیبتی دچار شدی.» اما علشان آن است که افرادی اشتباهی در آنجا حضور دارند و به دلایل نادرستی آنجا هستند.»

می‌گوید که اخیراً اولین تجربه کارگردانی خودش را با نام «تاورنت» به پایان رسیده است. این فیلم با حضور مگی اسمتیت، تام کورتنی، بیلی کاللی و پولین کالینز ساخته شده است که نقش یک گروه از خواننده‌های بازنشسته اپرا را بازی می‌کنند. تجربه خسته‌کننده‌ای به نظر می‌رسد اما چیزی است که هافمن دوست دارد.

وقت آن رسیده که او برود. می‌گوید: «هرگز نمی‌دانی فیلمی که داری در آن بازی می‌کنی چه از آب درمی‌آید.» قبلی داستان را در مورد همکاری دوبار‌هاش با رابرت بنتون، کارگردان «کریمر علیه کریمر» برای ساختن «بیلی بنگیت» در سال ۱۹۹۱ برابم تعریف می‌کند. «در کارولینای شمالی سر صحنه فیلمبرداری بودیم. تمام گروه استاره‌های سینما بودند با کارگردان/نویسنده بزرگی که برنده جایزه اسکار شده بود و همگی فکر می‌کردیم داریم یک کار هنری انجام می‌دهیم. چندصد متر آن‌طرف‌تر، فیلم دیگری در حال ساخته شدن بود. من حتی اسم آن را نمی‌توانم تلفظ کنم. پرسیدم که اسم این لعنتی چیست؟» هافمن به آرامی صحبت می‌کند، انگار در تقلا برای تلفظ آن کلمه است «وجوان» چشش یافته. اینجا.. لاک‌پشت‌ها.. چه احساس تکرری داشتیم. اما همان فیلم به صدر جدول فروش رفت و فیلم ما مدفون شد.»

هافمن از جا بر می‌خیزد. از من می‌پرسد: «خوشحالی یا ناراحت؟» به او می‌گویم که خوشحالم. می‌گوید: «خوب است. می‌دانی، مکالمه تلفنی آن موقع را خوب به یاد می‌آورم. گفت‌وگوی خوبی بود.» بعد لبخند می‌زند، دست می‌دهیم و او می‌رود.

منبع:لس‌آنجلس تایمز

نازه چه خبر دکتر جون؟

باندرا اس‌پیکاسو می‌شود



■ آنتونی هابکنز، برایان کاکس، میگوئل فررو – اخیراً در فیلم «نیمه‌شب در پاریس»– مارس‌سال دی فونزو بو از بازیگرانی هستند که نقش پابلو پیکاسو، نقاش مشهور اسپانیایی مکتب کوبیسم را تانکون ایفا کرده‌اند. وراثتی هفته گذشته گزارش داد که آنتونیو باندراس نیز قرار است نقش او را ایفا کند. فیلمی که باندراس اسپانیایی به زبان مادری در آن بازی خواهد کرد، «۳۳ روز» نام دارد و دوران ۳۳ روزهای را در سال ۱۹۳۷ به تصویر می‌کشد که پیکاسو بعد از شنیدن خبر بمباران شهر گورنیکا در اوج جنگ داخلی اسپانیا، تابلوی عظیم و مهیب «گورنیکا» را نقاشی می‌کند. کارلوس سائورا این فیلم را کارگردانی می‌کند. سائورا همچنین فیلمنامه را با همکاری الیاس گورختا –که تهیه‌کننده فیلم نیز هست– نوشته است. فیلمبرداری تابستان آینده در پاریس و گورنیکا انجام خواهد گرفت و ویتوریو استوراو مدیریت فیلمبرداری را بر عهده خواهد داشت.

تعقیب خون آشامان



■ فیلم «تعقیب‌گر شبانه» را که از مدتی پیش خبر حضور جانی دب در نقش اصلی آن منتشر شده بود قرار است آداگار رایت کارگردانی کند؛ فیلمسازی انگلیسی که آثاری مانند «شاون مردگان»، «هات فاز» و «سکلت پیلگرم علیه دنیا» را در کارنامه دارد. به گزارش ددلاین، «تعقیب‌گر شبانه» اقتباس از فیلمی تلویزیونی است که شبکه ای‌بی‌سی در سال ۱۹۷۲ درباره یک خبرنگارست که شبکه زرد که یک قاتل خون‌آشام را در لس وگاس تعقیب می‌کرد، ساخته بود. شخصیت قهرمان آن فیلم بعداً در سریالی که در ادامه‌اش ساخته شد با انواع و اقسام خون‌آشام‌ها، زامبی‌ها، گرگ‌نماها و بیگانه‌های فضایی روبه‌رو شد. با توجه به کارنامه آداگار رایت که در معدود آثار سینمایی‌اش مدام با این قبیل شخصیت‌ها درگیر بوده، به نظر می‌رسد شرکت دیزنی کارگردان مناسبی را انتخاب کرده است.

هفتمین‌پسر

■ سرگئی بودروف، فیلمساز روس که بافیلم نامزداسکار «منول» (۲۰۰۷) درباره دوران جوانی چنگیز خان خوش درخشید، فیلمی با عنوان «هفتمین پسر» را خواهد ساخت که داستانش در قرن هجدهم می‌گذرد و درباره جادوگری و جادوگران است. به گزارش وراثتی قرار است در این فیلم بازیگرانی مانند

جف بریجز، جولین مور، بن بارنز و آلیشیا ویکلندر حضور داشته باشند و هفته گذشته خلم آنیه‌ترا، بازیگر آلمانی ترازتورلدی که در نقش منفی فیلم «سردی از فولاد» و همین‌طور در «پنج روز جنگ» رنی هارلین بازی کرده است، به عوامل فیلم پیوست. این فیلم شرکت لجندری پیکچرز، یکی از تلاش‌های شرکت‌های تولیدی برای پر کردن جای خالی مجموعه فیلم‌های «هری پاتر» و همین‌طور مجموعه رو به پایان «گرگ میش» است.

بن‌لادن کلید می‌خورد



■ «کشتن بن‌لادن»، تریلری که خاتم کاترین بیگلرو، برنده جایزه اسکار برای «صندوقچه رنج»، حدود یک سال در تدارک ساختن آن است به مرحله کلید خوردن نزدیک شده است. هفته پیش انترتینمنت ویکلی گزارش داد که نش اجرتن و جوتل اجرتن، دو برادر بازیگر و نویسنده استرالیایی و خانم جنیفر الی، بازیگر «سرایت» استیون سوردبرگ به تیم بازیگران فیلم «کشتن بن‌لادن» پیوسته‌اند. پیش از این حضور جسیکا چاستین، آداگار رامرز، جیسن کلارک، مارک استرلگ و کرس پرات در این فیلم قطعی شده بود. فیلمنامه را مارک بوال، نویسنده فیلمنامه اثر قبلی خاتم بیگلر نوشته است. سونی پیکچرز فیلم را تهیه خواهد کرد و فیلم که تا چند روز آینده فیلم‌برداری‌اش شروع می‌شود قرار است در ماه دسامبر (پایان آذر) آینده به روی پرده برود.

وکیل ردلی اسکات



کلید بخورد، قطعی شد. به گزارش ددلاین این فیلم «وکیل» نام دارد و فیلمنامه‌اش را کورمک مک کارتی نوشته است. وکیل دع‌اوی این فیلم نیز مثل داستان جایی برای پیرمردها نیست» مک کارتی که برادران کوئن آن را ساختند، این خیال خام را دارد که می‌تواند وارد دنیای قاجاقچیان مواد مخدر شود بدون آنکه پیامدهای مرگبار آن گریبانش را بگیرد. نقش منفی این فیلم را ممکن است جرمی رز، بردلی کوپر یا برد پیت ایفا کنند.